

ایده رصدخانه‌های فرهنگی^۱

نویسنده: کاتارزینا پلبانسیک^۲

مترجم: الهام یوسفی*

کارشناس رصدخانه فرهنگی اجتماعی استان اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۳

چکیده

مقاله پیش رو تلاشی برای سازماندهی دانش موجود پیرامون رصدخانه‌های فرهنگی است. در مطالعاتی که به موضوع مدیریت فرهنگ اختصاص یافته، این مورد نسبتاً جدید بوده و کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است. این متن بر مبنای طبقه‌بندی اتخاذ شده توسط شوستر در سال ۱۹۹۹، نتایج گروه کاری ENCATC با عنوان *رصدخانه‌های فرهنگی و اطلاعات و دانش فرهنگی و تحقیقات خود نویسنده* است. مقاله حاضر، مدل‌های مختلف (به ویژه بر اساس شبکه‌ها و فرم‌های سازمانی)، قلمرو و اهداف رصدخانه‌ها را ارائه و مقایسه می‌کند. همچنین، سوالاتی در مورد ماهیت رصدخانه‌ها و مدیریت دانش انباشته شده، مطرح می‌کند.

کلیدواژه‌ها: رصدخانه‌های فرهنگی، مدیریت، تحقیقات فرهنگی.

۱. این مقاله ترجمه مقاله The idea of culture observatories- overview است:

Plebańczyk, K. (2014). The idea of culture observatories- overview. *Acta Academiae Artium Vi lnenensis*. 72, 169-180.

2. katarzyna.plebanczyk@uj.edu.pl

*. yousefi_1387@yahoo.com

۱. مقدمه

امروزه کشورها تلاش می‌کنند پتانسیل تحقیقاتی خود را در رابطه با کارکرد فرهنگی دوباره برقرار کنند. سازمان‌های بین‌المللی که دولت‌ها را گرد هم می‌آورند مانند یونسکو، شورای اروپا یا اتحادیه اروپا، در حال گسترش فعالیت‌های پژوهشی خود و ایجاد تقاضا برای تحقیقات تطبیقی و تبادل اطلاعات هستند و بدین ترتیب، بنیان‌های همکاری‌های بین‌المللی آینده را بنا می‌نهند. در دهه ۱۹۹۰، این همکاری موجب تمرکز بیشتر در ایجاد روش‌های متداول تحقیقاتی و فشار بر دولت‌ها شد تا خط‌مشی‌های فرهنگی خود را در زمینه‌های قابل اطمینان برآمده از تحقیقات علمی پایه‌گذاری کنند. به لطف این تحقیق است که در حال حاضر بیشتر در مورد تبادل فرهنگی می‌دانیم. سازمان‌ها و مؤسسات فرهنگی به‌طور فزاینده‌ای به گفت‌وگو با مخاطبان خود می‌پردازند و در تلاش‌اند تا نیازهای آنان را برآورده سازند. در مقیاس کلان، تحقیق به منظور تولید دانش، ایجاد راهبردهای توسعه و ترسیم چشم‌انداز خط‌مشی‌های فرهنگی انجام می‌گیرد. در مقیاس کوچک، تحقیق مستقیماً به مؤسسات کمک می‌کند و برای اقدامات فرهنگی سودمند است.

مفروضات:

این مقاله بر چندین فرض استوار بود: افزایش قابل ملاحظه تحقیقات کاربردی به منظور حمایت از مدیریت در بخش فرهنگ؛ اطلاعات تحقیقاتی پراکنده؛ افزایش تعداد مؤسسات تحقیقاتی، به ویژه آن دسته که به عنوان رصدخانه‌های فرهنگی عمل می‌کنند. این مفروضات حاکی از منابع بسیار گسترده برای شروع مطالعه هستند. امروزه در سراسر جهان بسیاری از سازمان‌ها در این پژوهش مشارکت دارند؛ اما اغلب اقداماتی هستند که به صورت تشریفاتی، موقتی و تصادفی انجام می‌شوند.

قلمرو

برای اهداف این مقاله، رصدخانه‌ها محدود به شبکه‌ها و اشکال نهادی (رسمی)، به استثنای اداره‌های آماری

با توجه به این واقعیت که فعالیت‌های آنها کمی متفاوت است) هستند. طبقه‌بندی اتخاذ شده بر اساس تحلیل پژوهشگر آمریکایی جی. ام. شوستر^۱ است. شوستر در سال ۱۹۹۹، تجزیه و تحلیل سیستم‌های اطلاعاتی موجود و مدل‌های فرهنگی را انجام داد که نقطه شروع و مرجعی برای تحقیقات بیشتر بود. این طبقه‌بندی بسیار گسترده است و علاوه بر اشکال سازمانی شامل فعالیت‌هایی مانند شبکه‌ها^۲ می‌شود.

دومین نقطه شروع، مطالعه انجام شده توسط سی. اُرتگا^۳ و اقتباس شده توسط گروه کاری ENCATC^۴ با عنوان *رصدخانه‌های فرهنگی و اطلاعات و دانش فرهنگی* بود. نتایج این مطالعه تاکنون منتشر نشده است. بنابراین، این مقاله فقط بر اساس مفروضات اولیه نوشته شده است. به نظر می‌رسد مطالعات اُرتگا، که شامل ۳۸ رصدخانه (نهادی/رسمی)^۵ است، باید -به ویژه تا اروپای شرقی- بسط یابد.

در لهستان نیز می‌توانید علاقه‌ای رو به رشد را نسبت به رصدخانه‌های فرهنگی و نخستین تلاش‌ها را برای ایجاد رصدخانه‌های فرهنگی منطقه‌ای مشاهده کنید. بررسی عملکرد، فعالیت‌ها و تأمین مالی آنها مقاله‌ای جداگانه را می‌طلبد. بنابراین موارد مذکور در این مطالعه گنجانده نشده‌اند.

اهداف اصلی این مقاله عبارتند از:

تلاش برای سازماندهی دانش موجود در مورد رصدخانه‌های فرهنگی، اهداف و قلمرو فعالیت آنها؛ نگاهی به رصدخانه‌ها، به ویژه در زمینه فعالیت‌های تحقیقاتی آنها.

کشورهای مختلف روش‌های گوناگونی را برای تحقیق در مورد خط‌مشی‌ها و پدیده‌های فرهنگی دارند. سازمان‌های ذکر شده یعنی یونسکو، شورای اروپا و اتحادیه اروپا تشکیلات خود را برای این هدف در اختیار دارند. مشکلی که اغلب در مباحث مربوط به تحقیقات فرهنگی

1. J. M. Schuster

2. Networks

3. C. Ortega

4. European Network Of Cultural Administration Training Centres

5. Institutional

یونسکو (۲۰۰۹)، نه دسته فعالیت فرهنگی را شناسایی می‌کند که با یکدیگر، معادل فرهنگ در زندگی اقتصادی هستند. این فعالیت‌ها عبارتند از: میراث، مواد چاپی و مطبوعات، موسیقی، هنرهای نمایشی، رسانه‌های سمعی و بصری، فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی، ورزش، بازی‌ها و محیط طبیعی [۶].

با توجه به پیشرفت فناوری (به ویژه دیجیتال)، امروزه هرکسی می‌تواند به فرهنگی دسترسی داشته باشد که متناسب با سلیقه شخصی او باشد. بر خلاف نگرانی‌های معمول، مردم از مؤسسات فرهنگی «واقعی» فاصله نمی‌گیرند؛ دقیقاً برعکس، در سال‌های اخیر موزه‌ها و تئاترها مخاطبان فزاینده‌ای را جذب کرده‌اند. از آنجایی که گیرنده می‌تواند و می‌خواهد به‌طور همزمان «خالق» باشد؛ محصولات ملموس^۲ فرهنگی همچون آثار هنری یا موسیقی، معمولاً بازیابی^۳ می‌شوند. این امر لزوماً با هدف ایجاد یک کار جدید هنری نیست (هرچند هنرمندان اغلب کارهای دیگران را «بازیابی» می‌کنند)، اما عمدتاً برای آزمودن توانایی‌های فردی، یا برای به اشتراک گذاشتن اثر یا روش استفاده شده با دیگران به کار می‌رود. با توجه به دسترسی جهانی، اینترنت در حال حاضر محبوب‌ترین منبع اطلاعات و دانش است. با توجه به این باور عمومی که می‌گوید اگر چیزی در اینترنت نیست، پس وجود ندارد، ما به طور مداوم با اطلاعات بیشتر و بیشتر اشباع می‌شویم. اینترنت، به یک دلیل معقول جایگزین نشریات چاپی در بسیاری از موضوعات شده و آن زمان بسیار کوتاهی است که می‌توان اطلاعات را منتشر کرد. مشکل، مجموعه عظیمی از اطلاعات و داده‌ها نیست، بلکه مدیریت، انتخاب و طبقه‌بندی آنها بر اساس سودمندی‌شان برای اهداف خاص است.

۲. رصدخانه‌های فرهنگی

مرور اجمالی

در پاسخ به مشکلات اخیر، بسیاری از کشورها به اصطلاح رصدخانه‌های فرهنگی یا آزمایشگاه‌های فرهنگ^۴

وجود دارد، این است که سازمان‌های مختلف، اطلاعات را فقط به خاطر آمار جمع‌آوری می‌کنند، اما آنها را تحلیل نمی‌کنند. بر اساس گزارش فردریک پاتورا^۱ از وزارت فرهنگ و ارتباطات فرانسه، تحقیق در زمینه خط مشی فرهنگی باید شامل مطالعه واقعی، بررسی آمار و اسناد و مدارک باشد [۱]. می‌توان به این مورد، تقاضا برای انجام تحقیقات پیوسته و جامع را اضافه نمود که شامل نظارت مستمر بر فعالیت‌های فرهنگی و همچنین تقاضا برای تحقیقات بنیادی است که به سازماندهی پدیده‌ها می‌پردازد و تحقیقات کاربردی که تأثیر مستقیم بر مدیریت فرهنگ سازمان دارد.

فرهنگ مدرن بسیار متنوع است، نه تنها از لحاظ اشکال آن، بلکه از لحاظ تأمین مالی، خط‌مشی‌ها و اقتصاد نیز بسیار متفاوت است. این امر مشکلات تحقیقاتی را به وجود می‌آورد؛ زیرا شناخت ما از فرهنگ بسیار گسترده است و تنها به حوزه عمومی و رسمی محدود نمی‌شود. اگرچه در کتاب فرهنگ/همیت دارد [۲]، تلاش برای تعریف فرهنگ انجام شده است، اما حاکی از یک کار بیهوده است، زیرا هیچ چیز مبهم‌تر از واژه فرهنگ نیست [۳].

مطالعه KEA، با در نظر گرفتن «حوزه‌های» جدید فرهنگ، در دو بخش تقسیم‌بندی می‌شود:

بخش فرهنگی - حوزه‌های سنتی هنر و صنایع فرهنگی، که نتایج آن صرفاً هنری است، مانند هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی، میراث، فیلم و ویدئو، تلویزیون، بازی‌های ویدئویی، موسیقی، کتاب و مطبوعات.

بخش خلاق - شامل ایده‌ها و اقداماتی است که از فرهنگ به عنوان ارزش افزوده در تولید محصولات غیر فرهنگی استفاده می‌کنند؛ اینها عبارتند از: معماری، طراحی، تبلیغات و صنایع وابسته (کامپیوتر، تلفن همراه، پخش‌کننده MP3، و غیره) [۴].

با دنبال کردن این مسیر فکری، فرهنگ از طریق موارد زیر مشخص می‌شود:

- خلاقیت؛
- رجوع به استفاده از نمادها؛
- ویژگی‌های قابل درک به شیوه‌های بسیار [۵].

2. Tangible Products
3. Recycled
4. Culture Laboratories

1. Frédérique Patureau

بودند از: «ساختار مربوط به زیرساخت‌های اطلاعاتی در زمینه خط‌مشی‌های فرهنگی چیست؟ فعالیت‌های تحقیقاتی مختلف مانند گردآوری و تحلیل داده‌ها، ... تدوین اطلاعات، تهیه مستندات، فهرست‌بندی و بایگانی یا انتشار و ارتباطات چگونه انجام می‌شوند؟» [۱].

تحقیقات مربوط به اطلاعات در حوزه خط‌مشی‌های فرهنگی توسط سازمان‌ها و مؤسسات مختلف انجام می‌شود که به صورت عمومی یا خصوصی تأمین می‌شوند. شوستر، با آغاز تحلیل خود از زیرساخت‌های تحقیقاتی، چندین مدل را شناسایی کرد که آنها را به مدل‌های مبتنی بر مؤسسات و مدل‌های بیرون از مؤسسات تقسیم نمود. با این حال، وی اشاره کرد که صحبت درباره یک نوع سیستم یا سازماندهی منطقی غیرممکن است، زیرا اکثر نمونه‌ها عناصر چند مدل را با یکدیگر ترکیب می‌کنند.

مدل‌های مبتنی بر سازمان عبارتند از:

بخش تحقیقاتی یک سازمان دولتی که امور مالی

را تأمین می‌کند: این موارد واحدهای جداگانه‌ای در بالاترین سطح اداری کشور هستند که در ساختارهای مختلف وزارتخانه‌ها فعالیت می‌کنند. این سازمان‌ها به امور مربوط به ظرفیت تحقیق و اطلاعات ملی، تحقیقات بر اساس ماموریت و خدمات گردآوری اسناد می‌پردازند.

اداره ملی آمار: در اکثر کشورها، ادارات آماری

داده‌های مربوط به بخش فرهنگ را جمع‌آوری و پردازش می‌کنند.

مؤسسه تحقیقاتی مستقل غیرانتفاعی: شوستر با

نام بردن از بنیاد بوکمن هلند^۱ به عنوان نمونه، تأکید می‌کند که این مدل خاص موجب آزادسازی حوزه پژوهش و اطلاعات از فشار سیاسی می‌شود.

مراکز تحقیقاتی دانشگاهی تأمین مالی شده

توسط دولت: یکی از قویترین مراکز، مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (مرکز ملی تحقیقات علمی) است. این مدل نه تنها از نفوذ سیاسی آزاد است، بلکه امکان فعالیت با ماهیت علمی بیشتر و همکاری با برنامه‌های آموزشی و آموزش دانشگاه را نیز می‌دهد.

را معرفی کرده‌اند. این سازمان‌ها که هدفشان پایش فرهنگی است، عمدتاً به جمع‌آوری و پردازش داده مشغول هستند، اما تحقیقات هدفمندی را نیز انجام می‌دهند، باعث تبادل دانش و تجربیات می‌شوند، و گاه اطلاعات مختلف یا حداقل بخش‌هایی را که مطابق نیازهای گروه‌های مختلف کاربران طبقه‌بندی شده است، به اطلاع عموم می‌رسانند. رصدخانه یکی از رایج‌ترین واژه‌های استفاده شده است، اگرچه کاملاً دارای ابهام است. اولین سازمان‌هایی از این دست (که در اواسط دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت) عمدتاً داده‌ها را گردآوری و پردازش می‌کردند و از دهه ۱۹۹۰ تحقیقاتی را بر اساس ماموریت انجام داده‌اند. با این حال، وضعیت آنها امروزه به دلیل پدیده‌هایی مانند پیشرفت فناوری (به ویژه دیجیتال) و تلاش برای توسعه فرهنگ تا حدودی متفاوت است.

زمینه‌های فعالیت رصدخانه‌های مدرن بسیار وسیع‌تر است: آنها جلسات، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی را تشکیل می‌دهند، منبع ارتباطی در فرهنگ هستند و در مورد رویدادها اطلاع می‌دهند. آنها اطلاعات جمع‌آوری شده را برای اهداف مدیریت فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی در دسترس قرار می‌دهند و همکاری‌های فرهنگی را در همه سطوح تسهیل می‌کنند. رصدخانه‌ها درصددند که بازیگران فعال بازار فرهنگی باشند؛ از این رو، اصطلاح آزمایشگاه فرهنگی به طور فزاینده‌ای در حال ظهور است. با این حال، این نام، کمتر متداول است و به جای نشان دادن یک نوع منحصر به فرد از فعالیت، برای متمایز ساختن یک مؤسسه استفاده می‌شود.

در حال حاضر، مؤسسات متعددی به عنوان رصدخانه‌ها یا آزمایشگاه‌های فرهنگ شناخته می‌شوند. اهداف، قلمرو و اشکال فعالیت آنها از سطح منطقه‌ای به سطح بین‌المللی متفاوت است و شامل دیده‌بانی پدیده‌ها و یا مشارکت فعال در سیاست‌گذاری آگاهانه فرهنگی است. این موضوع توسط شوستر مورد تحقیق قرار گرفت که در سال ۱۹۹۹ به منظور تحلیل سیستم‌ها و مدل‌های فعلی اطلاعات فرهنگی به وی ماموریت داده شد. هدف، بررسی آنها و شناسایی مدلی بود که می‌تواند با بازار ایالات متحده (به صورت جزئی یا کلی) منطبق شود. برخی از سوالات تحقیقاتی وی عبارت

1. Dutch Boekman foundation.

مطالعات و پیش‌نگری (از وزارت فرهنگ و ارتباطات فرانسه) تأمین شده است، به کار خود ادامه می‌دهد.

بیش از ۵۰٪ از سی و هشت رصدخانه موجود (این رقم شامل شبکه‌های مشارکتی نیست، بلکه فقط سازمان‌های ساختارمند با کارکردهای پژوهشی را شامل می‌شود) قبل از ۱۹۷۰^۱ تاسیس شدند. در سال ۱۹۸۹، رصدخانه خط‌مشی‌های فرهنگی^۲ (گرنوبل، فرانسه) و در حال حاضر کالج‌رلینک^۳ در کرواسی (زاگرب) ایجاد شده‌اند.

در سال‌های بین ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ رصدخانه صوتی و تصویری اروپا^۴ در استراسبورگ، ERICarts مستقر در بن (آلمان) و EUCLID (مستقر در منچستر و لیورپول، انگلستان) پدید آمدند.

پس از سال ۱۹۹۵، رصدخانه‌های فرهنگی در نقاط مختلف جهان به سرعت ایجاد شدند (که ۱۴٪ از آنها پس از سال ۲۰۰۰ ایجاد شدند). معروف‌ترین آنها عبارتند از:

- Interarts، بارسلونا، اسپانیا؛
- مرکز تحقیقات سیاست فرهنگی، گوتنبرگ، سوئد؛
- رصدخانه فعالیت‌های فرهنگی، لیسبون، پرتغال؛
- ICAn، ناتینگهام، انگلستان؛
- رصدخانه فرهنگ شهری، بوگوتا، کلمبیا؛
- رصدخانه کارائیب کلمبیا، کلمبیا؛
- بنیاد آسیا-اروپا، سنگاپور؛
- رصدخانه فرهنگی، بوینس آیرس، آرژانتین؛
- تبادل خلاق، لندن، انگلستان؛
- رصدخانه فرهنگی پیمونت، تورین، ایتالیا؛
- رصدخانه بوداپست، بوداپست، مجارستان؛
- رصدخانه آمریکای لاتین، مونته‌ویدئو، اروگوئه؛
- رصدخانه سیاست‌های فرهنگی شهرداری، مونته‌ویدئو، اروگوئه؛
- رصدخانه سیاست‌های فرهنگی در آفریقا، ماپوتو، موزامبیک؛

شرکت مشاوره خصوصی: در اصل آن چیزی است

که دارای یک شخصیت تجاری باشد و تحقیق در مورد سیاست فرهنگی که توسط بسیاری از این شرکت‌ها انجام می‌شود، خلاصه و کوتاه مدت است. یکی از استثناهای بزرگ‌تر که توسط شوستر نقل شده است، اطلاعات بین‌المللی در مورد فرهنگ در لندن است - شرکتی که میراث پژوهشی و اطلاعات خصوصی شورای هنر بریتانیای کبیر را مالک شده است.

رصدخانه فرهنگی: فرمی از ادغام مدل‌های مختلف

است. مؤسساتی که خود را «رصدخانه‌های فرهنگی» می‌نامند، به عناصر مختلفی از تحقیقات فرهنگی می‌پردازند. از آنجا که رصدخانه‌ها معمولاً در ساختارهای دولتی کار نمی‌کنند، اغلب در یک کشور (به عنوان مثال در فرانسه) موارد متعددی از آنها وجود دارد. شمار روزافزون چنین مؤسساتی توجه یونسکو را جلب کرد و موجب شد ایده ترکیب آنها را در یک شبکه بین‌المللی ارائه دهد.

با این وجود، نمونه‌هایی که شوستر ذکر کرده است باید به عنوان نقطه شروع در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال توزیع مشخصی از وظایف پژوهشی را در هلند می‌توان مشاهده کرد. اداره آمار مرکزی هلند منبع اصلی اطلاعات برای مؤسسات دولتی است؛ داده‌ها در گزارش‌هایی که بعداً منتشر می‌شوند، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ و علم چنین گزارش‌هایی را به بنیاد بوکمن واگذار می‌کند و این بنیاد، دانش و اطلاعات مربوط به فرهنگ و هنر را از نظر سیاست و عمل، گردآوری و منتشر می‌کند. همچنین ضمن ترویج تحقیق و توسعه، دیدگاه‌هایی را درباره سیاست‌گذاری و انتشار سیاست‌های مربوط به هنر و فرهنگ ارائه می‌دهد [www.boekman.org].

بنیاد مذکور به عنوان یک کتابخانه و بایگانی مستندات نیز عمل می‌نماید و به سازماندهی کنفرانس‌هایی که هدفشان انتشار نتایج تحقیقات است، کمک می‌کند. با این حال، این بنیاد، سازمانی کاملاً مستقل نیست.

مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه نیز که در زمینه تأمین مالی بخش آموزش و پرورش فعالیت می‌کند، کاملاً مستقل نیست. این شبکه گسترده از مراکز علمی و پژوهشی به لطف کمک مالی و تحقیقاتی که توسط مرکز

۱. نتایج تحقیقات انجام شده برای پایان‌نامه دکترای کریستینا ارتگا نور از دانشگاه Deusto (بیلباو، اسپانیا) که در کنفرانس رصدخانه‌های فرهنگی و گروه کاری اطلاعات و دانش فرهنگی وابسته به ENCATC که در دسامبر ۲۰۰۸ برگزار شد، ارائه شد. این نتایج به خاطر حسن نیت نویسنده تحقیق در دسترس قرار گرفت.

2. Observatoire des Politiques culturelles

3. Culturelink

4. European Audiovisual Observatory

– رصدخانه بوینس آیرس^۱، آرژانتین؛

– شورای ملی فرهنگ و هنر، شیلی.

ارتباط در زمینه تأمین مالی فرهنگ، سیاست فرهنگی، قانون و آمار است.

سازمانی که بیشترین اهمیت را برای خطمشی فرهنگی اروپا دارا می‌باشد، مؤسسه تحقیقات اروپایی^۷ برای خطمشی‌های تطبیقی فرهنگی و هنر^۸ است. این سازمان توسط انجمن اروپایی محققان و مراکز فرهنگی و مراکز تعالی^۹ که در عرصه فرهنگ در بسیاری از کشورهای اروپایی فعالیت می‌کنند، ایجاد شده است. این بنیاد، سازمانی مستقل و فراملی است که مطالعات تطبیقی و پایش تمام جنبه‌های فرهنگ (برای مثال خطمشی فرهنگی، بازار کار فرهنگی، صنایع فرهنگی و رسانه، مدیریت هنر و کلکسیون‌ها، آموزش هنر) را انجام می‌دهد. تلاش برای ترویج گفت‌وگوی فرهنگی و علمی در اروپا و جهان از طریق اقداماتی مانند نشریات، کنفرانس‌ها و پلتفرم‌های آنلاین انجام می‌گیرد. حوزه‌های اصلی فعالیت‌های آن عبارتند از: مقایسه خطمشی‌های فرهنگی و سیستم‌های مدیریتی، تحقیق در مورد روندها و نیازها در حوزه همکاری‌های فرهنگی و علمی اروپا، برنامه‌های تبادل کارکنان هنری و رسانه‌ای، ارتقاء شایستگی‌های حرفه‌ای کارکنان فرهنگ و رسانه و توسعه صنایع فرهنگی. همانطور که عنوان کامل آن نشان می‌دهد، این سازمان یک شبکه نیست، بلکه به عنوان یک مرکز دائمی با کارکنان پژوهشی خود، با هدف حفظ یک سازمان مستقل در سراسر اروپا تأسیس شده است. مهم‌ترین دستاورد مؤسسه تحقیقاتی اروپایی، پایه‌گذاری مجله خطمشی‌های فرهنگی^{۱۰} در کشورهای اروپایی است که توسط شورای اروپا تهیه شده است و در سال ۲۰۰۰ با همکاری مرکز تحقیق و توسعه فرهنگی^{۱۱} توسعه یافته است. این مجله هم‌اکنون به صورت آنلاین در دسترس است و به روزرسانی می‌شود^{۱۲}.

بزرگترین تعداد رصدخانه‌ها یعنی بیست مورد از آنها در اروپا کار می‌کنند؛ ده مورد در آمریکای جنوبی، چند مورد در آمریکای شمالی و آفریقا، و یک مورد در آسیا وجود دارد. آنها طیف وسیعی از فعالیت‌ها را از محلی تا بین‌قاره‌ای^۲ دارا هستند. اکثر آنها (۳۸٪) در سطح بین‌المللی فعالیت دارند، ۲۳٪ دامنه فعالیت‌های خود را ملی اعلام می‌کنند و ۲۱٪ ادعا می‌کنند که در سطح بین‌قاره‌ای عمل می‌کنند^۳. فعالیت‌های این رصدخانه‌ها بر زمینه‌های متفاوتی از خطمشی‌های فرهنگی، از طریق همکاری، مدیریت، بازار کار در فرهنگ و همه چیز در زمینه پیشرفت فناورانه، اقتصاد، و توسعه اجتماعی و تمدن متمرکز است. برخی در تلاش‌اند تا با تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها به ترویج توسعه بپردازند؛ برخی دیگر در تلاش‌اند همین کار را با تولید مقالات علمی، مطالعات، طرح‌ها و برنامه‌ها انجام دهند. علاوه بر این، رصدخانه‌های موجود، قلمروهای فعالیت مختلفی را ارائه می‌دهند که در نامگذاری‌ها، بیانیه‌ها و طرح‌های عملی آنها بیان شده است. برای مثال رصدخانه بوداپست^۴، رصدخانه منطقه‌ای در زمینه تأمین مالی فرهنگ در اروپای شرقی – مرکزی، توسط بنیاد رصدخانه فرهنگی اروپای شرقی – مرکزی اداره می‌شود و فعالیت‌های آن ۱۸ کشور (از جمله لهستان) را پوشش می‌دهد که تاریخ مشترک و میراث پساکمونیست را به اشتراک می‌گذارند. ماموریت این رصدخانه «کمک به کسانی است که مایل به کسب اطلاعات بیشتر در مورد شرایط (تأمین مالی، قانون، مدیریت، سیاست) زندگی فرهنگی (فعالیت‌ها، محصولات و سازمان‌ها) در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی»^۵ هستند. کار آن بر تبادل تجربیات و اطلاعات با انجام فعالیت‌هایی مانند تولید کتاب‌های راهنما درباره «اقدامات خوب»، سیاست‌های منطقه‌ای^۶ مؤثر و غلط و روش‌های تأمین مالی فرهنگ متمرکز است. هدف دیگر آن حمایت از تحقیق و برقراری

7. ERICarts

8. European Research Institute for Comparative Cultural Policy and the Arts

9. Centers of Excellence

10. compendium of cultural policies

11. Cultural Information and Research Centers Liaison [CIRCLE]

12. www.culturalpolicies.net

1. OIC

2. transcontinental

4. BO

5. www.budops.org

6. sectorial

۳. مشاهدات نویسنده بر مبنای فهرست فوق

ارزیابی بین‌المللی قرار می‌دهد. به عنوان یک مرکز به پایش فعالیت‌های فرهنگی می‌پردازد و به شدت بر ارتباط فرهنگ و جامعه تأکید می‌کند. در سال ۱۹۸۵، این مرکز از استقرار ارتباط مراکز اطلاعات و تحقیقات فرهنگی در اروپا^۴ - حمایت کرد؛ شبکه‌ای که ده مؤسسه از کشورهای مختلف را گرد هم آورد. این امر امکان فعالیت‌های منظم، نشست‌های منظم برای بحث در مورد جدیدترین مسائل فرهنگی و همچنین داشتن اطلاعات به روز پیرامون روندهای متغیر خط‌مشی‌های فرهنگی را فراهم ساخت. از همه مهم‌تر، این شبکه، گروهی از محققان را گرد هم می‌آورد که افزون بر کار کردن در مراکز اطلاعات و تحقیقات فرهنگی در اروپا در بسیاری از مؤسسات دیگر به کار مشغول‌اند. به عنوان مثال پیتر اینکی^۵، دبیر کل باسابقه این شبکه مدیر رصدخانه بوداپست نیز هست. بر اساس اطلاعاتی که از رئیس باسابقه شبکه، پروفیسور دوروتا ایلچاک^۶ گرفته شده است، از سال ۲۰۰۸ اقدامات شبکه به آرامی در حال زوال است و اعضای آن به‌طور فزاینده‌ای در سایر مؤسسات ساختاریافته مشغول به کار هستند.

مثال دیگر کالچرلینک^۷ است که «شبکه شبکه‌های تحقیق و همکاری»^۸ در توسعه فرهنگی است که توسط یونسکو و شورای اروپا در سال ۱۹۸۹ ایجاد شد و در مؤسسه روابط بین‌الملل در زاگرب، کرواسی واقع شده است. مأموریت کالچرلینک توسعه ارتباطات و همکاری بین اعضای شبکه است. هدف بلندمدت آن ایجاد یک سامانه اطلاعاتی جهانی برای تحقیق و همکاری در توسعه فرهنگ است. فعالیت‌های آن به‌طور کلی بر گردآوری، پردازش و انتشار اطلاعات در مورد زندگی فرهنگی و همچنین توسعه فرهنگی و خط‌مشی‌های کشورهای مختلف متمرکز شده است. این وظایف در سطوح مختلف اجرا می‌شود: از طریق یک صفحه اینترنتی، تهیه پایگاه‌های داده توسط خود مؤسسات، پروژه‌های تحقیقاتی، نشریات، فعالیت‌های هنری و همکاری بین‌المللی حوزه اصلی فعالیت

واژه «رصدخانه‌های فرهنگی» بسیار محبوب است و برای نشان دادن طیف وسیعی از فعالیت‌ها استفاده شده است. بسیاری از مؤسسات تحقیقاتی یا اطلاعاتی در قالب شبکه‌ها (مدل‌هایی که بر اساس مؤسسات نیستند) عمل می‌کنند. شکل‌گیری آنها معمولاً بر اساس خط‌مشی فرهنگی یونسکو و شورای اروپا است.

بنابراین، شبکه بین‌المللی رصدخانه‌ها در حوزه خط‌مشی‌های فرهنگی نیز که تحت نظارت یونسکو فعالیت می‌کند، یک رصدخانه است. این نهاد یک شبکه بین‌المللی است که از مراکز گردآوری اطلاعات درباره خط‌مشی‌های فرهنگی تشکیل شده است. هدف از این همکاری، تبادل مستمر اطلاعات در حوزه برنامه‌ریزی و ارزیابی خط‌مشی‌های فرهنگی، ترویج پژوهش‌های علمی و تحلیل سیاست‌های فرهنگی است. در اصل، این شبکه باید منعکس‌کننده تنوع جغرافیایی-فرهنگی^۱ باشد، هماهنگی فعالیت‌ها را بهبود بخشد و مراکز مسئول اجرای ابتکارات خاص را در یک منطقه معین شناسایی کند.

شبکه «آزمایشگاهی برای فرهنگ»^۲ برنامه اینترنتی است که با حمایت بنیاد فرهنگی اروپا ایجاد شده است. هدف آن ترویج همکاری اروپا در بخش فرهنگی و همچنین تبادل فرهنگی در سطح بین‌المللی، آغاز مباحثات فرهنگی، انتشار اطلاعات در مورد فعالیت‌های فرهنگی و حمایت از تحقیقات علمی اروپا در ارتباط با فرهنگ است. این پلتفرم برای همه متخصصان حوزه همکاری فرهنگی اروپا و برای سایر علاقه‌مندان به آن، طراحی شده است. آزمایشگاه فرهنگ که در ابتدا به عنوان یک پروژه آزمایشی برای دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۸ ایجاد شد، همچنان در حال اجراست و در نسخه‌های شش‌زبانه - انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، آلمانی، اسپانیایی و لهستانی - اجرا می‌شود.

شورای اروپا که در سال ۱۹۴۹ شکل گرفت، در طول سال‌ها در شماری از پروژه‌های پان-اروپایی^۳ مربوط به خط‌مشی‌های فرهنگی دخیل بوده است. این شورا واحدهای تحقیقاتی دائمی ایجاد نمی‌کند، بلکه به مسائل نوظهور از طریق پروژه‌ها و برنامه‌ها می‌پردازد و آنها را در معرض

4. Cultural Information and Research Centers Liaison in Europe [CIRCLE]

5. Péter Inkei

6. Dorota Ilczuk

7. Culturelink

8. The Network of Networks for Research and Cooperation

1. Geocultural

2. LabforCulture

3. Pan-European

- پاسخ به نیازهای مؤسسات فرهنگی از قبیل ایجاد شرایط و آغاز همکاری‌های محلی، ملی و بین‌المللی علاوه بر آموزش مدیران.

قلمرو

غالب تحقیقات انجام شده در سطح جهانی شامل گسترش پایگاه آماری است.

با وجود تغییراتی که در سال‌های اخیر مشاهده شده است، مؤسسات تحقیقاتی که در زمینه فرهنگ فعالیت می‌کنند، بیشتر به انباشت اعداد توجه دارند، نه به تحلیل‌ها و در واقع به همین دلیل دائماً مورد نقد قرار می‌گیرند. مسئله، کمبود داده نیست، بلکه این واقعیت است که داده‌ها به اندازه کافی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. در اکثر کشورها، داده‌های آماری به طور منظم به دست می‌آیند و به مجموعه‌ای با پتانسیل کاربردی بسیار بالا می‌رسند. با این حال، گردآوری و در دسترس بودن داده جایگزین تحلیل و پژوهش شده است و نقدها در این زمینه ادامه دارد. برای مثال تی. چنی^۱ اشاره می‌کند که مقدار زیادی اطلاعات در دسترس است، اما ظرفیت سازمانی برای تحلیل آنها محدود است. آلن پیکاک^۲ خاطرنشان کرد:

بزرگترین موزه‌ها و گالری‌ها و همچنین شرکت‌های بزرگ که از سوی شورای هنر اسکاتلند حمایت مالی می‌شوند، اعداد مورد نیاز قانون را تولید می‌کنند، اما این اعداد تحت هیچگونه تحلیلی قرار نمی‌گیرند یا دست کم آن تحلیلی نیست که منافع عمومی را به ارمغان بیاورد [۱].

از یک سو، تلاش‌های فعال باید بر تحلیل پدیده‌ها، توسعه رویکرد یکپارچه به مسائل مختلف و توسعه روش‌شناسی تحقیق (تحقیقات بنیادین) تمرکز داشته باشد؛ از سوی دیگر، باید شامل تحقیقات کاربردی نیز باشند. به‌طور خاص، این تلاش‌ها باید شامل موارد زیر باشند:

پایش فرایندهای فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی، برای مثال توسعه شبکه‌های فرهنگی، همکاری بین‌المللی، پیگیری روندهای فرهنگی، فناوری‌های جدید در فرهنگ و گردشگری فرهنگی.

آن ترویج پروژه‌های تحقیقاتی مشترک منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و بین‌المللی پیرامون خط‌مشی‌های فرهنگی، ارتباطات بین‌المللی، هویت فرهنگی و تأثیر اصلاحات بر وضعیت فرهنگ است.

همچنین لازم است از گروه کاری ENCATC در حوزه رصدخانه‌های فرهنگی و اطلاعات و دانش فرهنگی نام ببریم که هدف آن پایش پدیده‌های فرهنگی و گرد هم آوردن نمایندگان جوامع علمی و رصدخانه‌ها و شبکه‌های موجود است.

صرف نظر از مدل سازمانی و مالی پذیرفته شده یا دامنه فعالیت‌های رصدخانه‌ها، می‌توان آنها را از منظر کسب‌وکارشان مورد بحث قرار داد. بر اساس بررسی‌های اولیه نویسنده که در این مقاله بیان شد، در دهه ۱۹۹۰ فعالیت‌های رصدخانه‌ها گسترش یافت و یکی از مهم‌ترین اشکال آن فعالیت‌ها بیش از آنکه انجام پژوهش به منزله محرکی برای توسعه فرهنگ باشد، به ابزاری برای دستیابی به این هدف تبدیل شد. بر اساس تحلیل فعالیت‌های رصدخانه‌ها، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که یک رصدخانه فرهنگی دقیقاً چه چیزی است و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا به عنوان رصدخانه فرهنگی محسوب شود. این گزیده تلاش خواهد کرد تا به چندین پرسش اساسی در مورد اهداف، قلمرو، شکل فعالیت و انتشار اطلاعات رصدخانه پاسخ دهد.

اهداف رصدخانه‌های فرهنگی

تحلیل فعالیت‌های مؤسسات مذکور نشان می‌دهد که صرف نظر از اینکه با سازمان یا شبکه محلی، ملی یا جهانی مواجه هستیم، هدف اصلی، مدیریت دانش در حوزه فرهنگ و همچنین تحریک توسعه آن از طریق فعالیت‌هایی مانند گردآوری (از جمله پژوهش)، ذخیره سازی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات در مورد فرهنگ است. اهداف دیگر شامل تسهیل مدیریت مؤسسات فرهنگی دولتی و خصوصی و نیز مشارکت فعال در سیاست‌گذاری آگاهانه است. این امر باید توسط موارد زیر انجام شود:

- آغاز و هماهنگ کردن فعالیت‌های علمی و پژوهشی در زمینه فرهنگ؛
- پایش فرایندهای فرهنگی؛

1. T. Cheney
2. Alan Peacock

آغاز و هماهنگ کردن فعالیت‌های علمی و**پژوهشی در زمینه فرهنگ:**

- تعیین روندها و موضوعات پژوهشی؛
- آغاز و انجام تحقیقات علمی؛
- تدوین واژه‌شناسی تخصصی؛
- سازماندهی جلسات و کنفرانس‌های علمی؛
- تهیه آثار تحلیلی، نظرات، دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای کارشناسی؛
- مدیریت پروژه‌های تحقیقاتی؛
- مشاوره و رایزنی؛
- خدمات نشر از جمله کتاب‌ها، کتابشناسی‌ها، مجلات، مقالات کنفرانس‌ها.

پایش فرایندهای فرهنگی:

- گردآوری اطلاعات به روز در مورد شرایط ملی و جهانی فرهنگ، تعریف استانداردها، ایجاد و اجرای نظام شاخص‌ها؛
- شناسایی روندهای جدید در فرهنگ؛
- پردازش اطلاعات، ساخت پایگاه داده فرهنگی؛
- ایجاد سامانه الکترونیکی اطلاعات فرهنگی.

پاسخ به نیازهای مؤسسات فرهنگی:

- آغاز گفت‌وگو درباره فرهنگ و مدیریت فرهنگی، از جمله برگزاری نشست‌ها، کنفرانس‌ها، کارگاه‌ها و بحث‌ها که کارشناسان فرهنگی را گرد هم می‌آورد.
- هماهنگ‌سازی همکاری میان بخش‌های مختلف فرهنگ؛
- ایجاد شبکه‌ای از مؤسسات و سازمان‌ها که به همکاری با یکدیگر می‌پردازند.
- فعالیت‌های آموزشی، به عنوان مثال کارآموزی؛
- مدیریت پروژه فرهنگی؛
- فعالیت‌های اطلاعاتی، به عنوان مثال قرار دادن اطلاعات گردآوری شده در دسترس مخاطبان ذینفع در قالب فرم‌های از پیش تنظیم شده؛
- جست‌وجوی منابع مالی.

مدیریت فرهنگ، شامل:

- (الف) خط مشی‌های فرهنگی - پروژه‌ها و پیشنهادات ختم‌شده ملی، منطقه‌ای و محلی برای یک دوره، دیدگاه‌ها و نگرش‌های معین
- (ب) قانون‌گذاری؛
- (ج) اقتصاد فرهنگی: زیرساخت‌ها، منابع و روش‌های تأمین مالی پروژه‌های فرهنگی (چه حرفه‌ای و چه آماتور)، مدیریت مالی در مؤسسات فرهنگی؛
- (د) بازار فرهنگ - عرضه و تقاضا، تبلیغات، بازاریابی، روابط عمومی، حمایت مالی؛
- (ه) برنامه‌ها و پروژه‌های فرهنگی؛
- (و) مسائل مربوط به مشاغل در بخش فرهنگی، جابجایی کارکنان و هنرمندان، اشتغال و حقوق؛
- (ز) مدیریت نهادهای فرهنگی (از جمله موزه‌ها و گالری‌ها، آرشیوها، میراث ملی، حفظ و نگهداری آثار تاریخی، ادبیات، کتاب‌ها، مجلات، موسیقی، رقص، تئاتر، هنرهای سمعی بصری، کتابخانه‌ها).

روش‌شناسی پژوهش فرهنگی

فرهنگ در مقابل سایر علوم مانند انسان‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی (به عنوان مثال فعالیت فرهنگی اجتماعی، آمادگی برای پذیرش هنر، فرصت‌های اقتصادی، سطح آگاهی از نیازهای فرهنگی خود، ایجاد حس هویت فرهنگی در یک منطقه معین ژئوپلیتیک، جهانی شدن و رفتار فرهنگی جوامع و افراد)؛

فعالیت‌های فرهنگی حرفه‌ای / آماتور و خصوصی / عمومی در زمینه‌های مختلف فرهنگی شامل ادبیات، هنرهای زیبا، طراحی، تئاتر، موسیقی، فیلم، معماری، رادیو، تلویزیون، چندرسانه‌ای، هنرهای سمعی بصری، میراث فرهنگی، رسانه‌های جدید (رویدادها، پروژه‌ها، خلق و گردش آثار هنری، محصولات فرهنگی ملموس و ناملموس).

انواع فعالیت

این وظایف از طریق اقدامات خاص مرتبط با سه هدف ذکر شده انجام می‌شود:

انتشار اطلاعات

به اشتراک‌گذاری اطلاعات باید بر اساس راه‌حل‌های مدرن مبتنی بر ICT و در درجه اول بر روی صفحه‌های اینترنت آنلاین باشد. بخش اعظم اطلاعات گردآوری، اما به ندرت توزیع می‌شود. امروزه انتشار اطلاعات معمولاً از طریق نشر نتایج تحقیق انجام می‌شود که برای خواننده عمومی داخلی و خارجی یا غیرقابل دسترس یا غیرقابل درک هستند. این مورد بسیار نادر است زیرا فعالیت اکثریت رصدخانه‌ها بین‌المللی است.

استفاده از صفحات وب، دسترسی سریع و همزمان به انواع منابع اطلاعاتی را برای یک خواننده بالقوه فراهم می‌کند. چنین منابعی باید در پایگاه‌های داده و بولتن‌های خبری آنلاین ذخیره شوند که در سرور رصدخانه و سرورهای مؤسسات همکار واقع شده‌اند. دسترسی به منابع باید براساس نوع کاربر متفاوت باشد و هزینه‌هایی برای گزینه‌های خاص در نظر گرفته شود. این پلت‌فرم علاوه بر نسخه الکترونیکی، باید دارای نسخه چاپ شده در کتابخانه رصدخانه نیز باشد.

مسئله دیگر زبان است. بسیاری از رصدخانه‌ها صفحات اینترنتی و محتویات آن را فقط به زبان مادری خود منتشر می‌کنند که در صورتی که فقط در سطح ملی یا محلی عمل کنند، قابل درک است؛ اما زمانی که سازمان در مقیاس وسیع‌تر عمل می‌کند یا مدیریت ملی خود را به نمایش می‌گذارد، توجیه آن دشوارتر است.

هیچ جایی همچون صفحات اینترنتی وجود ندارد که نتایج مطالعات انجام شده را بتواند در دسترس قرار دهد. گزارش‌های فردی اغلب بر روی شبکه جهانی وب پراکنده می‌شوند و یافتن شان بسیار دشوار است. بسیاری از اوقات، فرد حتی نمی‌داند که یک مطالعه خاص انجام شده است.

سخنان جی. هاگورت^۱ از دانشگاه اوترخت^۲ در کتاب منتشر شده در سال ۱۹۹۲، بهترین نتیجه‌گیری را ارائه می‌دهد. آنها ثابت می‌کنند که جهان دائماً در حال تغییر است، همانگونه که ۲۰ سال پیش تغییر می‌کرد، و بنابراین تحلیل و سنجش این پدیده‌ها بسیار دشوار است:

«تاکنون مهم‌ترین وظیفه برای یک مدیر فرهنگی، ایجاد شرایط بنیادی برای فرایند خلاقیت بود. امروزه این وظیفه در حال تغییر است و نیازمند مشاهده دقیق خود فرایند است؛ فرایند مدیریت فرهنگ و نیز توسعه بیشتر افق فرهنگی-سیاسی که مجدداً جایگاه فرهنگ را در جامعه (جهان) پیوسته در حال تغییر تعریف خواهد کرد» [۷].

۳. نتیجه‌گیری

تحلیل فوق منجر به چندین نتیجه‌گیری می‌شود. هر تلاشی برای بحث درباره رصدخانه‌های فرهنگی، خالی از خطر نیست. این امر به خاطر این واقعیت است که: انجام یک طبقه‌بندی واضح برای تعیین اینکه رصدخانه چه چیزی است و چه چیزی نیست، بی‌نهایت دشوار است. اکثر مدل‌ها هم از لحاظ شکل سازمانی و هم شکل عملکردی به صورت ترکیبی^۳ هستند. همان طور که قبلاً ذکر شد، شمار پیشنهادی رصدخانه‌ها در مطالعه اخیر سی. اُرنگا باید بسط یابد؛ به عنوان مثال توسط مؤسسه خط‌مشی فرهنگی^۴ در روسیه، رصدخانه تنوع فرهنگی در توسعه انسانی آسیا-اقیانوسیه^۵ در استرالیا، رصدخانه یونسکو با موضوع هنر در آموزش و پرورش^۶ برای تحقیق درباره فرهنگ بومی و خلاقیت در آموزش و پرورش در هنگ کنگ، یا مؤسسه فرهنگ و گردشگری کره^۷ (اما اینها فقط چند نمونه‌اند).

در بسیاری از قسمت‌های مقاله، مشاهده شد که امروزه رصدخانه‌ها فعالیت بسیار گسترده‌ای دارند - نه تنها در تحلیل فرهنگ، بلکه همچنین به عنوان محرکی برای توسعه آن فعالیت می‌کنند.

بنابراین، این پرسش‌ها باقی می‌مانند: آیا این مشخصه، ویژگی جدید رصدخانه‌ها است؟ آیا این امر، نتیجه یک ضرورت است: ماندن در بازار و یافتن منابع سرمایه‌گذاری؟ شایان ذکر است افزایش فعالیت‌ها تنها مشخصه رصدخانه‌هایی که در دهه گذشته ایجاد شده‌اند، نیست.

3. Mixed

4. Informkultura

5. The Pacific Asia Observatory of Cultural Diversity in Human Development

6. UNESCO Arts in Education Observatory

7. Korean Culture and Tourism Institute

1. G. Hagoort

2. Utrecht

دانش توسط رصدخانه‌ها استفاده می‌شود و نحوه استفاده از آن برای اجرای خط‌مشی‌های فرهنگی چگونه است؟ در بخش آخر مقاله که به انتشار اطلاعات اختصاص داشت، نشان داده شد که این بخش، ضعیف‌ترین نقطه عملکرد رصدخانه‌ها است. برای تأیید این امر، انجام تحقیقات بیشتر و عمیق‌تر ضروری است

خطر بالقوه‌ای که ممکن است به آن اشاره شود، کم‌رنگ شدن فعالیت‌هایی است که تاکنون فعالیت‌های اکثر رصدخانه‌ها را توصیف کرده است. پرسش‌های بیشتری می‌تواند مطرح شود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین پرسش این باشد که: در حال حاضر مدیریت دانش چه مواردی را دربرمی‌گیرد؟ چگونه این

References

منابع

- [1] Schuster J. M. 2007. *Informing Cultural Policy- Research and Information Infrastructure*, Krakow. pp. 277.
- [2] Huntington, P. S. & Harrison, E. L. (eds.), 2000. *Culture matters- How Values Shape Human Progress*, Poznań, pp. 348.
- [3] Von Herder, J. G. 1962. *Philosophy of history of man*, PWN, Warszawa, pp. 550.
- [4] KEA. 2006. *The Economy of Culture in Europe*. Study prepared for the European Commission, October 2006. pp. 13.
- [5] Ginsburgh A. V. & Throsby, D. (eds.), 2006. *Handbook of the Economics of Art and Culture*, Vol. 1. Amsterdam: Elsevier. pp. 1400.
- [6] UNESCO. 2009. *UNESCO Framework for Cultural Statistics*, pp. 100.
- [7] Hagoort G., 1997. *Cultural entrepreneurship. An introduction to arts management*, Kraków.

The Idea of Culture Observatories- Overview

Author: Katarzyna Plebańczyk¹

Jagiellonian University, Poland

Translator: Elham Yousefi Hamedani*

Specialist at Isfahan Cultural and Social Observatory

Received: 2018.11.6

Accepted: 2019.2.12

Abstract

This article is an attempt to organize knowledge of cultural observatories. In the studies dedicated to the theme of management of culture, this subject is relatively new and less analyzed. The text is based on the classification adopted by J. M. Schuster in 1999, the results of the work of the *ENCATC Working Group: Cultural Observatories and Cultural Information and Knowledge* and the author's research. The article presents and compares various models (especially based on networks and institutional forms), scope and objectives of the observatories. However, it also raises questions about the essence of the observatories and the governance of accumulated knowledge.

Keywords: Culture observatories, Management, Culture research.

1. katarzyna.plebanczyk@uj.edu.pl

*. Yousefi_1387@yahoo.com